



Management & Development Process

چکیده

در تحقیق حاضر، با استفاده از اطلاعات سری زمانی مربوط به اشتغال، دستمزد، هزینه سرمایه و ارزش افزوده تابع تقاضای نیروی کار در کل اقتصاد و در سه بخش خدمات، صنعت و کشاورزی به تفکیک ماهر و غیرماهر و در زیربخش‌های خدمات برآورد شده است. برای پیش‌بینی اثر جهانی شدن اقتصاد در قالب سه پیامد ورود سرمایه، آزادسازی تجاری و رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات بر اشتغال، دو متغیر باز بودن اقتصاد و موجودی سرمایه در بخش حمل و نقل و ارتباطات به مدل اضافه شده است. طبق نتایج تحقیق، تأثیر رشد تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات (ICT) بر اشتغال مثبت است، اما اثر آزادسازی تجاری یا درجه باز بودن اقتصاد نامحسوس می‌باشد و اثر ورود سرمایه به دلیل مکملی سرمایه و نیروی کار مثبت ارزیابی می‌شود، از این رو، نتیجه سه پیامد بر اشتغال، مثبت ارزیابی می‌گردد. علاوه بر این، تأثیر مثبت این شاخص‌ها بر نیروی کار ماهر، بیشتر از نیروی کار غیرماهر است و نقش مثبت درجه باز بودن اقتصاد بر اشتغال نیروی کار ماهر بخش خدمات، در رتبه اول قرار می‌گیرد. درباره زیربخش‌های خدمات نیز می‌توان گفت که در تعامل با اقتصاد جهانی، نظام بانکداری و بیمه‌ای کشور و نیز سیستم حمل و نقل و ارتباطات، نه تنها بیش از گذشته متأثر خواهند شد، بلکه ایجاد زمینه‌های کسب و کار و فرصت‌های شغلی در این بخش‌ها نیز افزایش خواهد یافت.

واژگان کلیدی: اشتغال، جهانی شدن، بخش خدمات، ماهر و غیرماهر

نقش جهانی شدن اقتصاد در اشتغال بخش خدمات

دکتر صالح قویدل
دکتر نعمت فلیجی

نقش جهانی شدن اقتصاد در اشتغال بخش خدمات

دکتر صالح قویدل^۱

دکتر نعمت فلیحی^۲

۱- مقدمه

تولید ناخالص داخلی از بخش‌های متعددی حاصل می‌شود که هر کدام از آنها ساختار متفاوتی دارند. بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات، سه بخش عمده در هر اقتصاد هستند که مجموع تولیدات و محصولات آنها، تولید ناخالص داخلی را ایجاد می‌کند. روند تاریخی تحولات این سه بخش، بیانگر اهمیت بالای بخش کشاورزی و عدم رونق فعالیت‌های صنعتی و خدماتی در دوران اقتصاد سنتی بوده است، به طوری که در دوران مذکور، عمده نیروی کار شاغل، در بخش کشاورزی فعالیت می‌کردند. به مرور زمان، با رشد فعالیت‌های صنعتی، نقش صنعت در تولید ناخالص ملی افزایش و نقش بخش کشاورزی کاهش یافت. این وضعیت به شکل تاریخی از قرن هجدهم، از شدت بیشتری برخوردار شد و توانست نیروی کار عظیمی را به خود جذب کند و به مرور زمان با رشد تکنولوژی، بهره‌وری در صنعت افزایش یافت و صنایع جدیدی به این بخش اضافه شدند. از آنجایی که برخی از این نوع صنایع، با بخش کشاورزی نیز مرتبط بودند، صنعت توانست بخش کشاورزی را تحت تأثیر خود قرار دهد و ارتباطات متقابلی بین این دو بخش حاصل شود، به طوری که رشد تکنولوژی و به دنبال آن رشد بهره‌وری در بخش صنعت، موجب رشد بهره‌وری در بخش کشاورزی گردید. بدین ترتیب، با افزایش

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد

اسلامی واحد فیروزکوه

salleh_mogh@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد

اسلامی واحد تهران مرکزی

بهره‌وری در بخش صنعت و کشاورزی، دستمزدهای واقعی نیز افزایش یافت و افزایش دستمزدها که موجب افزایش درآمد سرانه می‌شد، تقاضای مردم برای خدمات مختلف را افزایش داد و انتقال نیروی کار برای انجام این نوع خدمات از بخش‌های کشاورزی و صنعت به این بخش آغاز شد.

به همین دلیل است که نمی‌توان به راحتی گفت که رشد تکنولوژی، موجب کاهش اشتغال می‌شود، امکان کاهش اشتغال در بخش‌های تکنولوژی بر نیز وجود داشته است. اما این تحول خود موجب ایجاد فرصت‌های جدید شغلی در بخش تکنولوژی بر خواهد شد که عمدتاً بخش‌های خدماتی هستند. روند تاریخی سهم اشتغال در سه بخش مذکور، شاهدی بر این فرضیه است. تا قبل از قرن بیستم، بالاترین سهم اشتغال به بخش کشاورزی مربوط بود، در قرن بیستم، سهم بخش صنعت افزایش و سهم بخش کشاورزی کاهش یافت، در حالی که در چند دهه اخیر، سهم اشتغال در بخش خدمات در بالاترین سطح قرار دارد (بانک جهانی ۲۰۰۳). این تحول در کشورهای مختلف متفاوت بوده و عمدتاً در کشورهای پیشرفته و صنعتی زودتر اتفاق افتاده است، اما اکنون در کشورهای در حال توسعه نیز در حال وقوع است.

به همین دلیل، با توجه به تحولات اخیر در اقتصاد که مهمترین آنها، رشد تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، همگرایی بازارهای اقتصاد با اقتصاد جهانی یا جهانی شدن و غیره است، هر کدام از زیربخش‌های خدمات را باید به لحاظ اشتغال‌زایی و چگونگی مکانیزم آن بررسی کرد. در دو دهه اخیر، تحولات عمده‌ای در بخش‌های خرده‌فروشی و عمده‌فروشی، واسطه‌های مالی، حمل‌ونقل، هتل و رستوران، ارتباطات، خدمات عمومی و شخصی و سایر خدمات پدید آمده است. مثلاً در بخش حمل‌ونقل و ارتباطات، تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات (ICT) نقش قابل توجهی داشته، به گونه‌ای که توانسته است بخش‌های جدیدی نیز در این گروه از خدمات ایجاد کند، مانند خدمات اینترنتی، ماهواره‌ای، تلفنی و غیره. همچنین در بخش‌های هتل و رستوران، گردشگری به شدت رشد یافته است و مراجعه گردشگران جدید با هدف بازدید از فرهنگ‌ها و سنت‌های بومی و مراکز دورافتاده، موجب پیدایش اکوتوریسم یا گردشگری زیست‌بومی شده و از این طریق، فرصت‌های شغلی مناسبی برای بومی‌ها و روستاییان ایجاد شده است. گرچه

دولت‌ها برای کاهش فقر و ایجاد اشتغال در مناطق دورافتاده کشور به میزان زیادی تلاش می‌کنند، ولی این صنعت توانسته است به‌طور مناسب، شغل‌های مطلوب برای مناطق مذکور ایجاد کند یا در بخش مؤسسات مالی، گسترش رقابت و نفوذ فناوری اطلاعات و ارتباطات در این بخش، موجب کاهش اشتغال در این بخش شده است، اما رشد قابل توجه بهره‌وری از همه لحاظ موجب ایجاد خدمات گوناگون مالی در این گروه از خدمات گردیده است. هدف تحقیق حاضر، نشان دادن تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر اشتغال در بخش‌های اقتصادی، به‌ویژه بخش‌های خدماتی است. این هدف از طریق برآورد تابع تقاضا برای نیروی کار در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات به تفکیک نیروی کار ماهر و غیرماهر و نیز برآورد تابع تقاضا برای نیروی کار در زیربخش‌های خدمات دنبال شده است.

۲- مبانی نظری مربوط به اقتصاد جدید و اشتغال

منظور از اقتصاد جدید، اقتصادی است که عمده منابع رشد آن، بهره‌وری، دانش و کارایی است تا تعداد نیروی کار و سرمایه فیزیکی. در اقتصاد جدید می‌توان گسترش پدیده‌هایی مانند فرایند جهانی شدن اقتصاد، گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و اقتصاد مبتنی بر دانش را مشاهده کرد که گسترش هر یک از آنها، بر شاخص‌های کلیدی اشتغال و ساختار اشتغال تأثیر قابل توجهی داشته است. در راستای گسترش اقتصاد جدید، بخش خدمات نیز به لحاظ ارزش افزوده و سهم اشتغال، گسترش یافته است، از این رو، سئوالاتی در این باره مطرح می‌شود که مهمترین آنها عبارت‌اند از: آیا پیدایش و گسترش اقتصاد جدید، با گسترش بخش خدمات به لحاظ سهم اشتغال و ارزش افزوده ارتباط دارد؟ فرایند جهانی شدن اقتصاد، چه آثاری بر ساختار بازار کار در کشورهایی خواهد داشت که با این فرایند روبرو می‌شوند؟ فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) بر بازار کار و ساختار اشتغال چه تأثیری دارد؟ چگونه اقتصاد مبتنی بر دانایی و سرمایه انسانی، بر ساختار اشتغال تأثیر می‌گذارد؟ آیا کشورهای در حال توسعه، از فرایند اقتصاد جدید بر بازار کار کشورشان منتفع خواهند بود؟ و در صورت الزام به انجام اصلاحات اقتصادی، چه نوع اصلاحاتی باید انجام شود؟ برای پاسخگویی به این‌گونه سئوالات، در ادامه آثار مهمترین عوامل اقتصاد جدید بر اشتغال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳ - جهانی شدن اقتصاد و اشتغال با تأکید بر بخش خدمات

تحقیقات اخیر درباره تأثیر جهانی شدن اقتصاد که در اکثر متون اقتصادی به معنی همگرایی و یکسان‌سازی بازارهای کالا، خدمات، کار و مالی است، نشان می‌دهند که شاخص‌های معرفی شده برای جهانی شدن اقتصاد که عمدتاً به دو دسته شاخص‌های مربوط به آزادسازی تجاری و شاخص‌های مربوط به آزادسازی مالی، تقسیم می‌شوند، بر ساختار بازار کار تأثیرگذار هستند، بنابراین قبل از بررسی چگونگی تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر بازار کار در بخش خدمات، لازم است برخی از شاخص‌های جهانی شدن معرفی شوند.

۳-۱ - شاخص‌های جهانی شدن اقتصاد

الف - شاخص ATK

در اوایل سال ۲۰۰۱، نشریه مشهور "سیاست خارجی"^۱ و دفتر مشاوره بین‌المللی کرنی^۲ برای اولین بار شاخصی برای جهانی شدن ارائه کردند که ترکیبی از چهار مؤلفه کلیدی ادغام جهانی به شرح زیر است:

۱- جهانی شدن تجارت کالا و خدمات: که با نسبت تجارت خارجی به تولید ناخالص داخلی و نیز همگرایی قیمت‌های جهانی و داخلی اندازه‌گیری شده است.

۲- جهانی شدن مالی: که برای اندازه‌گیری آن از نسبت‌های جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نیز جریان پرتفولیوی سرمایه به تولید ناخالص داخلی استفاده شده است.

۳- جهانی شدن تماس‌های شخصی: برای این شاخص فرعی، معیارهایی مانند نسبت جهانگردان و مسافران بین‌المللی به جمعیت هر کشور و طول تماس‌های تلفنی ساکنان هر کشور با خارج از مرزها به‌طور سرانه مورد استفاده قرار گرفته است.

۴- جهانی شدن از بعد تکنولوژی: که برای محاسبه این مؤلفه، معیارهایی مانند تعداد کاربران اینترنت، تعداد میزبانان و سرورهای خدمات دهنده اینترنتی در کشور مورد توجه قرار گرفته است.

1. Foreign Policy

2. Kearney

ب - شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج^۱

درباره شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج، نخستین بار در اواخر دهه ۱۹۸۰ بحث شد. این شاخص بر اساس مقادیر پنجاه متغیر مستقل اقتصادی که در ۱۰ طبقه اصلی تقسیم شده‌اند، برای کشورهای مختلف محاسبه شده است. بدیهی است که کمی کردن این پنجاه متغیر اقتصادی، مستلزم گردآوری داده‌های فراوان از کشورهای گوناگون است که تهیه‌کنندگان شاخص ادعا می‌کنند این اطلاعات را در اختیار دارند. با استفاده از این اطلاعات در هر گروه اصلی از متغیرها برای هر کشور، نمره‌های از یک تا ۵ که سطح حمایت‌گرایی خیلی کم، کم، متعادل، زیاد و خیلی زیاد را نشان می‌دهد، تعیین شده است و میانگین این نمره‌ها، نمره نهایی هر کشور را در فهرست نهایی به دست می‌دهد. کمترین نمره، یعنی یک بیانگر حداکثر آزادی اقتصادی و بالاترین نمره، یعنی ۵ بیانگر نبود آزادی اقتصادی در یک کشور است.

۳-۲- تأثیر آزادسازی تجاری بر ایجاد و تخریب فرصت‌های شغلی

آزادسازی تجاری و رشد تجارت خارجی، آثار مثبت و منفی بر بازار کار دارد. بی‌شک افزایش تجارت، به ویژه افزایش صادرات موجب رشد تولید و در نتیجه افزایش اشتغال خواهد شد، اما رشد تجارت فقط به این حرکت در اقتصاد خلاصه نمی‌شود. کالاها و خدماتی که در بازارهای جهانی عرضه می‌شوند، باید از استاندارد بین‌المللی نیز برخوردار باشند، و با کالاها و خدمات مشابه خارجی رقابت کنند، از این رو، نیروی کار در تولید محصولات صادراتی، باید بهره‌وری بالایی داشته باشد. همچنین با رشد تجارت خارجی، نیروی کار ماهر و با بهره‌وری بالا از بخش‌های غیرصادراتی به بخش صادراتی منتقل می‌شود و بنابراین ایجاد اشتغال در بخش‌های صادراتی، عمدتاً برای نیروهای کار ماهر است و نیروی کار غیرماهر بیشتر در بخش‌های غیرصادراتی باقی می‌ماند. علاوه بر این، به لحاظ اهمیت نیروی کار ماهر و افزایش دستمزد آنها در این حوزه، آموزش به‌ویژه از نوع فنی و حرفه‌ای و دانشگاهی برای رشد مهارت نیروی کار افزایش می‌یابد. بنابراین، افزایش تجارت بین‌المللی موجب می‌شود که گروهی از نیروی کار، منافع و شغل خود را از دست بدهند و گروهی دیگر منافع و شغل‌های مناسبی را

به دست آورند، به هر حال، اینکه چه میزان فرصت شغلی در اثر آزادسازی از دست می‌رود و چه میزان فرصت شغلی ایجاد می‌شود، به میزان توسعه‌یافتگی کشورها بستگی دارد. عمدتاً در کشورهای پیشرفته به لحاظ وجود آموزش‌های متعدد در تمام بخش‌ها و زمینه‌ها برای ورود به بازار کار، معمولاً پیامد ایجاد و تخریب فرصت شغلی، مثبت است، اما در کشورهای درحال توسعه این پیامد اثری نامشخص دارد. به عنوان مثال، در مراکش، تجارت آزاد بر متوسط اشتغال در بخش‌های کارخانه‌ای تأثیر نداشته است (کاری و هاریسون^۱، ۱۹۹۷) یا در مکزیک تقاضا برای نیروی کار افزایش یافته است (رونگا^۲، ۱۹۹۷)، اما در اروگوئه آزادسازی تجاری، موجب کاهش تقاضا برای نیروی کار شده است (راما^۳، ۱۹۹۴). عمدتاً مطالعات مربوط به تأثیر تجارت آزاد بر اشتغال به دو دسته تقسیم می‌شوند، اول، مطالعاتی که در سطح کلان موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهند و عمدتاً تأثیر تجارت بر ایجاد اشتغال را مثبت می‌دانند (فدر، ۱۹۸۳) و مطالعاتی که اثر تجارت بر رشد اقتصادی را بررسی می‌کنند.

دوم، مطالعاتی که تأثیر تجارت بر اشتغال را به صورت بخشی و بنگاهی بررسی می‌کنند، مانند لیونسون^۴ (۱۹۹۹) که با استفاده از داده‌های بنگاهی، آزمون از دست رفتن و به دست آوردن شغل در شیلی را در طول دوره آزادسازی این کشور بررسی کرد و نشان داد که اشتغال در بخش کارخانه‌ای، در هر سال حدود ۸ درصد کاهش یافته است.

مقوله دیگری که درباره آزادسازی تجاری و اشتغال مطرح می‌شود، کیفیت ایجاد اشتغال توسط این فرایند است. آزادسازی تجاری موجب می‌شود انعطاف‌پذیری قوانین و مقررات مربوط به بازار کار افزایش یابد و از این رو، امکان سوءاستفاده‌های مختلف توسط کارفرما در چنین شرایطی وجود دارد. به‌طور مثال، قانون حداقل دستمزد در مناطقی که تولیدات صادراتی انجام می‌شود (مانند مناطق آزاد تجاری) در اکثر کشورهایی که وارد تجارت آزاد شده‌اند، وجود ندارد. همچنین آزادسازی تجاری موجب افزایش شغل‌های موقت و غیررسمی می‌شود، از این رو، امنیت شغلی در اثر پیدایش این پدیده کاهش می‌یابد. طبق مطالعه‌ای در مراکش، سهم نیروی کار موقت و غیردائم در بین سال‌های ۸۴ - ۱۹۹۰، حدوداً ۲۰ درصد افزایش یافته است (راما، ۱۹۹۴). یکی از مهمترین عوامل، وجود شغل‌های

1. Currie and Harrison
2. Revenga
3. Rama
4. Levinsohn

موقت در شرایط آزادسازی تجاری، گسترش بخش خصوصی و کاهش بخش دولتی است، از این لحاظ، نیروی کار با تحصیلات بالا در بخش‌های دولتی باقی می‌ماند و نیروی کار با تحصیلات پایین به بخش خصوصی منتقل می‌شود که در این فرایند، زنان بیشتر از مردان متضرر می‌شوند و اکثراً در بخش‌های غیررسمی استخدام می‌گردند که دستمزد کمی پرداخت می‌کنند. به هر حال، آزادسازی تجاری موجب ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش‌ها و مناطق صادراتی مانند مناطق آزاد تجاری می‌شود، اما به لحاظ اینکه قوانین و مقررات مربوط به بازار کار برای تسهیل در امر استخدام کارگر انعطاف‌پذیر است، امکان عدم امنیت شغلی و وجود شغل‌های غیردائمی و غیررسمی و موقت را نیز افزایش می‌دهد. مطالعه‌ای درباره نیروی کار اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۶، از ۱۴۹/۳ میلیون نفر شاغل در این کشورها، فقط ۹۱/۵ میلیون یا ۶۱/۳ درصد به صورت تمام‌وقت یا قرارداد دائمی استخدام شده بودند و بقیه شاغلان در گروه استخدام موقت، کارکنان مستقل، کارکنان فامیلی یا شاغلان نیمه‌وقت قرار داشتند (خاتم، ۱۳۸۳). یک بررسی در هلند نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۹۶ - ۱۹۹۰، نسبت شاغلان تمام‌وقت دارای قراردادهای بدون قید زمان، از ۶۵ درصد به ۵۸ درصد کاهش یافته است (همان منبع). با این حال، در تمام کشورهای اروپایی، اشتغال نیمه‌وقت نسبت به نیمه دهه هشتاد میلادی افزایش یافته و در واقع بخش مهمی از فرصت‌های شغلی جدید، ناشی از افزایش مشاغل پاره‌وقت بوده است.

بخش عمده شاغلان پاره‌وقت در کشورهای اروپایی - حدود ۸۵ درصد در انگلستان، بلژیک و اتریش - را زنان تشکیل می‌دهند (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۰۳). شاغلان پاره‌وقت معمولاً کمتر از ۳۱ ساعت در هفته کار می‌کنند و اشتغال پاره‌وقت بیشتر در فعالیت‌های خدماتی (مانند خرده‌فروشی، هتل و رستوران، حمل‌ونقل و سایر خدمات) در میان زنان رواج دارد. این وضعیت در کشورهای درحال توسعه نیز صادق است، به‌طور مثال، در هندوستان با افزایش درجه باز بودن اقتصاد، رشد شغل‌های موقت و غیردائمی، به‌ویژه در میان زنان افزایش یافته است.^۱ در منطقه کاربین^۲ زنان، ۸۰ درصد از نیروی کار را تشکیل می‌دهند، دلیل بکارگیری زنان، به‌ویژه زنان مجرد، چابک‌تر بودن و سخت‌کوش بودن آنها نسبت به مردان است. علاوه‌براین، زنان نسبت به مردان حاضر به دریافت دستمزد کمتر هستند. البته

۱. کمیته برنامه دهم هند ۲۰۰۲

2. Caribbean

اغلب آنها در بخش غیررسمی کار می‌کنند. در ضمن، اکثر نیروی کار که از بخش کشاورزی جدا شده‌اند، در مناطق صادراتی که در اطراف روستاها و شهرک‌های مشخص تأسیس می‌گردند، به کار گرفته می‌شوند. به‌طور مثال، در غنا و اوگاندا مشاهده می‌شود که زنان به‌طور قابل توجهی در اصلاحات اقتصادی (حرکت به سمت آزادسازی و فعالیت‌های صادراتی) نقش ایفا کرده‌اند، در این کشورها زنان روستایی بیشتر از مردان در بخش غیرکشاورزی فعالیت می‌کنند (بانک جهانی، ۲۰۰۱).

۴- روش تحقیق، مدل‌سازی و برآورد تابع تقاضای نیروی کار

تابع تقاضای نیروی کار با حداقل کردن هزینه تولید یک بنگاه در سطح ثابتی از تکنولوژی تولید به شکل زیر به دست می‌آید:

$$L_{it} = \alpha + \beta_1 W_{it} + \beta_2 R_{it} + \beta_3 Y_{it} + \beta_4 Tech_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که L_{it} بیانگر اشتغال در زیربخش i ام است، W_{it} دستمزد در بخش i ام، R_{it} هزینه سرانه سرمایه در بخش i ام، Y_{it} سطح تولید در بخش i ام، $Tech_{it}$ سطح تکنولوژی و ε_{it} جزء خطا در رگرسیون (۱) است. در مرحله اول، ضریب این رگرسیون در کل بخش خدمات و در زیربخش‌های آن با روش حداقل مربعات معمولی (OLS) برآورد می‌شود. سپس برای کنترل مانایی، متغیر جزء اخلاص از طریق آماره ADF تست ریشه واحد می‌شود. اطلاعات مربوط به اشتغال در بخش خدمات از آمارهای برآوردی دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور استخراج می‌شود. اما به دلیل فقدان اطلاعات مربوط به دستمزد نیروی کار در اقتصاد ایران، از آمارهای مختلف استفاده شده است. یکی از آنها استفاده از جبران خدمات کارکنان به عنوان پراکسی دستمزد است. شایان ذکر است که به دلیل برآوردی بودن میزان دستمزد سرانه از یک طرف و وجود آمارهای واقعی دستمزد در برخی از زیربخش‌های اقتصادی، در تخمین توابع تقاضای نیروی کار در زیربخش‌های خدمات از این اطلاعات استفاده شده است. برای زیربخش خدمات عمومی و اجتماعی از جبران خدمات سرانه مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی (همچنین برای واسطه‌گری‌های مالی و پولی) و برای بخش حمل‌ونقل از آمار جبران خدمات

سرانه مزد و حقوق بگیران فعالیت‌های حمل‌ونقل جاده‌ای بخش خصوصی استفاده شده است. برای بخش هتل، رستوران، مستغلات و فعالیت‌های کسب و کار از آمار حداقل دستمزد استفاده شده است.

هزینه سرمایه سرانه در اقتصاد ایران (R) به صورت زیر برآورد شده است:

$$\text{هزینه سرمایه سرانه R} = \frac{\text{جبران خدمات کارکنان - ارزش افزوده}}{\text{موجودی سرمایه}} \quad (۲)$$

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بر اساس رابطه (۲) فرض شده است که تمام هزینه‌ها و مخارج تولید یک محصول یا خدمت، یا صرف نیروی کار می‌شود (جبران خدمات) یا صرف عوامل دیگر، که در تحقیق حاضر، عوامل دیگر به عنوان سرمایه در نظر گرفته شده‌اند. اما برای برآورد هزینه سرمایه، به موجودی سرمایه نیاز می‌باشد که این اطلاعات نیز از دفتر کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اخذ شده است.

آمار و اطلاعات مربوط به ارزش افزوده نیز از حساب‌های ملی ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اخذ شده است.

در این قسمت، تابع تقاضای نیروی کار در بخش خدمات نیز به تفکیک ماهر و غیرماهر برآورد می‌شود و هدف از برآورد تقاضای نیروی کار به تفکیک ماهر و غیرماهر، بررسی تأثیر جهانی شدن اقتصاد و متغیر تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و نیز تأثیر نرخ بیکاری بر تقاضای نیروی کار به تفکیک ماهر و غیرماهر است، زیرا تحقیقات بسیاری (راما، ۲۰۰۳؛ استیگلتز، ۲۰۰۳) نشان می‌دهند که اثر جهانی شدن اقتصاد به معنی آزادسازی تجاری و مالی بر نیروی کار ماهر و غیرماهر متفاوت است که در این تحقیق دو متغیر مهم جهانی شدن اقتصاد، شامل درجه باز بودن اقتصاد^۱ و میزان موجودی سرمایه در بخش ارتباطات (ICT) به عنوان پراکسی برای موجودی سرمایه فناوری اطلاعات و ارتباطات در تابع تقاضای نیروی کار وارد شده است^۲. متغیر درجه باز بودن اقتصاد که نسبت مجموع صادرات به واردات به کل تولید ناخالص داخلی است، از آمارهای موجود بازرگانی خارجی کشور و بانک مرکزی استخراج شده و متغیر موجودی سرمایه در بخش ارتباطات نیز از برآورد دفتر کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استخراج شده است.

1. Openness

۲. این دو متغیر به لحاظ مبانی نظری، به عنوان جایگزینی برای متغیر تکنولوژی (Tech) در نظر گرفته شده‌اند.

هر چند که تعریف مهارت بسیار حساس و دقیق است، اما در اینجا نیروی کار ماهر به نیروی کاری اطلاق می‌شود که تحصیلات عالی داشته باشد و نیروی کار غیرماهر نیز به نیروی کاری اطلاق می‌شود که از تحصیلات عالی برخوردار نباشد، بنابراین با استفاده از سهم نمونه‌گیری مرکز آمار ایران از نیروی کار برخوردار از تحصیلات عالی در طرح "آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار"، می‌توان نیروی کار ماهر و غیرماهر را از یکدیگر تفکیک کرد. تابع تقاضا برای نیروی کار ماهر و غیرماهر به تفکیک در این تحقیق برآورد شده است.

۵- برآورد تابع تقاضای نیروی کار در کل اقتصاد

همان‌طور که در بخش ادبیات تحقیق بیان شد، سه پیامد مهم جهانی شدن به شرح ذیل هستند:

- آزادسازی تجاری

- پیشرفت تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات

- ورود سرمایه‌گذاری خارجی

نقش دو پیامد اول و دوم، از طریق ورود متغیرهای موجودی سرمایه در بخش ارتباطات که جایگزینی برای نقش (ICTK) است و درجه باز بودن اقتصاد به تابع تقاضای نیروی کار نشان داده شده است، اما نقش ورود سرمایه را می‌توان درون ساختار تابع تقاضا پیدا کرد، به این ترتیب که چنانچه در اقتصاد ایران، سرمایه و نیروی کار مکمل یکدیگر باشند و هر چقدر میزان مکمل بودن آنها بیشتر باشد، با ورود سرمایه در اثر کاهش هزینه سرمایه (R)، تقاضا برای نیروی کار نه تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه زیاد نیز می‌شود و برعکس چنانچه ضریب (R) مثبت باشد، می‌توان ادعا کرد که سرمایه و نیروی کار جانشین یکدیگر هستند و از آنجایی که در اثر ورود به فرایند جهانی شدن، هزینه سرمایه کاهش می‌یابد، تقاضا برای سرمایه افزایش و تقاضا برای نیروی کار کم می‌شود.

اکنون این سه پیامد مهم جهانی شدن اقتصاد بر تابع تقاضای نیروی کار ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. رشد و پیشرفت تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات می‌تواند موجب افزایش اشتغال در بازار کار ایران شود، زیرا ضریب متغیر (ICTK) نزدیک به ۴۱٪ و مثبت و معنی‌دار است (جدول ۱)، اما به دلیل غیرمعنی‌دار بودن

ضریب درجه باز بودن اقتصاد می‌توان ادعا کرد که آزادسازی تجاری بر تقاضای نیروی کار ایران (البته در کل بازار کار) تأثیر محسوسی ندارد. به دلیل منفی بودن ضریب هزینه سرمایه، می‌توان ادعا کرد که کاهش هزینه سرمایه در هنگام جهانی شدن، تأثیر مثبتی بر تقاضای نیروی کار در ایران دارد. از این رو، حاصل سه پیامد اصلی جهانی شدن بر تقاضای نیروی کار ایران مثبت ارزیابی می‌شود.

حال اگر تابع تقاضای نیروی کار به تفکیک ماهر و غیرماهر برآورد شود که نتایج آن در جدول (۱) آمده است، اولین نکته‌ای که بیان می‌شود این است که تابع تقاضا برای نیروی کار غیرماهر، فقط از ارزش افزوده اقتصاد و درجه باز بودن اقتصاد تبعیت می‌کند و سایر متغیرها نقش زیادی در این تابع ندارند. در واقع، مدل اول تابع تقاضای نیروی کار غیرماهر که در ستون هفتم جدول (۱) نشان داده شده است، قابل اعتماد نمی‌باشد، چون آماره دوربین واتسون ضعیف است و مدل دوم نیز حالت ریشه واحد بودن دارد، زیرا ضریب وقفه اول متغیر وابسته به عدد واحد نزدیک است. در واقع، تابع تقاضا برای نیروی کار غیرماهر، احتمالاً تابع متغیرهای دیگری غیر از متغیرهای معرفی شده در جدول (۱) است که باید به دنبال آنها بود^۱ و فقط برای مقایسه با تابع تقاضای نیروی کار ماهر در این تحقیق قابل استفاده می‌باشد. تابع تقاضای نیروی کار ماهر در هر دو مدل، تقریباً ضرایب معنی‌دار دارد. اما برای اهداف پیش‌بینی، مدل دوم بهتر است، زیرا آماره دوربین واتسون ۲/۱ را دارا می‌باشد. در هر حال، تابع تقاضا برای نیروی کار ماهر در هنگام جهانی شدن، کمترین آثار منفی را نسبت به نیروی کار غیرماهر می‌پذیرد. توجیه این جمله را می‌توان در بررسی سه پیامد مهم جهانی شدن بر تابع تقاضای نیروی کار ماهر و غیرماهر جستجو کرد، اول اینکه، آزادسازی تجاری یا درجه باز بودن اقتصاد تأثیر مثبت بیشتری بر اشتغال نیروی کار ماهر دارد (کشش ۰/۶۴۶ در مقابل ۰/۰۳۱)،^۲ دوم اینکه کشش موجودی سرمایه مربوط به ارتباطات برای نیروی کار ماهر حدوداً ۰/۴۰۴ درصد است، اما برای نیروی کار غیرماهر فقط ۰/۰۴۴ درصد است (تقریباً ۱۰ برابر برای نیروی کار ماهر بیشتر است)، سوم اینکه، ضریب هزینه سرمایه در تابع تقاضای نیروی کار ماهر که بیانگر کشش اشتغال نسبت به قیمت سرمایه است، حدوداً (۱/۱۴-) می‌باشد (در مدل دوم) ولی این کشش برای نیروی کار غیرماهر فقط (۰/۰۳۵-) یا (۰/۳۰۸-) است.

۱. در تحقیق حاضر، انواع متغیرهای دیگر از جمله نرخ بیکاری آزمون شده، اما تأثیر محسوسی نداشته است.
۲. باید توجه کرد که در ادبیات اقتصادسنجی هنگامی که دو مدل ساختار مشابه داشته باشند و ضرایب هر دو مدل، از کشش برخوردار باشند و دوره مشاهدات یکسان باشد، می‌توان دو ضریب از دو معادله را با یکدیگر مقایسه کرد.

جدول ۱- برآورد تابع تقاضای نیروی کار در کل اقتصاد به روش OLS (متغیر وابسته لگاریتم اشتغال است)

متغیر مستقل	علامت اختصاری	کل اقتصاد (۱)	کل اقتصاد (۲)	ماهر کل اقتصاد (۱)	ماهر کل اقتصاد (۲)	غیرماهر کل اقتصاد (۱)	غیرماهر کل اقتصاد (۲)
ضرب ثابت	C	۳/۵	۱/۶۴	-۱۱/۳۴	-۲۱/۰۳	۷/۵۱۹	۲۴/۵۸
		(۷/۱)	(۲/۸۷)	(-۴/۳۳)	(-۱۲)	(۱۳/۳۴)	(۰/۲۹۵)
دستبرد	W	-۰/۲۴۳	-۰/۳۳	-۰/۳۱	-۱/۳۹	-۰/۱۳۹	-۰/۰۲۵
		(-۹/۰۸)	(-۱۰/۴۶)	(-۱/۸۸)	(-۷/۲۹)	(-۴/۸)	(-۱/۰)
هرینه سرمایه	R	-۰/۵۲۳	-۰/۴۶	-۰/۸۴۳	-۱/۱۴	-۰/۳۰۸	-۰/۰۳۵
		(-۱۱/۰۲)	(-۶/۳)	(-۲/۹۸)	(-۲/۹)	(-۶/۲)	(-۰/۶۵)
ارزش افزوده	V	۰/۸۱۶	۰/۹۷۸	۱/۴۸	۲/۲۴	۰/۵۶۸	۰/۱۴۶
		(۲۵/۵)	(۳۵/۶)	(۶/۵۳)	(۲۴/۸۵)	(۱۲/۱۹)	(۱/۹۷)
موجودی سرمایه در بخش ICT	ICTK	۰/۴۱	—	۰/۴۰۴	—	۰/۰۴۴	—
		(۵/۵۴)		(۱/۷)		(۱/۶۴)	
درجه باز بودن اقتصاد	Open	—	—	—	۰/۶۶۶	—	۰/۰۳۱
					(۳/۹)		(۲/۳۲)
وقته اول متغیر وابسته	AR(۱)	—	—	—	—	۰/۶۶	۰/۹۹
						(۳/۳۹)	(۶۹/۶۸)
دوره	—	۱۳۶۰-۸۳	۱۳۶۰-۸۳	۱۳۶۰-۸۳	۱۳۶۰-۸۳	۱۳۶۰-۸۳	۱۳۶۰-۸۳
ضرب تشخیص	R ^۲	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۷	۰/۹۹	۰/۹۹
آماره دورین واتسون	D.W	۱/۶۳	۱/۶۳	۱/۳۹	۲/۱	۱/۱	۲
آماره ADF برای پسماندها	ADF	۴/۰۴	۵	۴/۳	۳/۸	۲/۵	۳/۶۴

ماخذ: یافته‌های تحقیق

این مطالب گویای واقعیت بسیار مهمی در برنامه چهارم توسعه است، به این معنی که یکی از مهمترین محورهای برنامه چهارم، تعامل اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی است و این موضوع نشان می‌دهد که در فرایند ادغام با اقتصاد جهانی، باید سهم نیروی کار ماهر را افزایش داد و از طرف دیگر، سیاست‌های حمایتی برای نیروی کار غیرماهر را جستجو کرد. در این تحقیق که مهارت مترادف با تحصیلات تعریف شده است، باید سهم نیروی کار با تحصیلات بالا را در کل شاغلین افزایش داد. همچنین می‌توان نیروی کار با تحصیلات پایین را تحت آموزش‌های متنوع قرار داد.^۱ با توجه به اینکه در اقتصاد ایران، سهم نیروی کار ماهر از کل اشتغال کشور پایین است، توجه به این امر برای برنامه‌های توسعه کشور، ضرورت اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. از طرف دیگر، نیروی کار تحصیل کرده فروانی در کشور وجود دارد، اما وارد بازار کار نمی‌شوند که باید دلایل آن را بررسی کرد.

۶- برآورد تابع تقاضای نیروی کار ماهر و غیرماهر در سه بخش عمده اقتصاد

در این قسمت، تابع تقاضای نیروی کار در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات برآورد می‌شود و سپس در هر یک از بخش‌های مذکور، تابع تقاضای نیروی کار ماهر و غیرماهر نیز برآورد می‌شود، همان‌طور که قبلاً بیان شد، تقاضای نیروی کار تابعی از دستمزد (W)، هزینه سرمایه (R) و ارزش افزوده در نظر گرفته می‌شود. اما در این تحقیق، به دلیل شرایط خاص بازار کار ایران و نیز شناسایی عوامل جهانی شدن اقتصاد بر بازار کار، متغیرهای دیگری نیز در تابع تقاضا در نظر گرفته شده است که عمده‌ترین این متغیرها، نرخ بیکاری، درجه باز بودن اقتصاد و موجودی سرمایه در بخش ارتباطات (ICT) است. برای پرهیز از ضرایب کاذب در برآورد مدل با روش OLS ، با حذف و اضافه کردن متغیرهای مذکور و تغییر دوره مشاهدات تلاش شد مدلی گزارش شود که پسماندهای آن، فروض کلاسیک را دارا بوده و مانا باشند. این مدل‌ها در جدول (۲) نمایش داده شده است.

این جدول را می‌توان با چند روش بررسی نمود و نتایج مهمی دریافت کرد، اول مقایسه ضرایب متغیرهای مستقل بین سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات است، همان‌طور که ملاحظه می‌شود ضریب متغیر دستمزد در هر سه بخش، علامت منفی دارد و مطابق با مبانی نظری است، اما این ضریب که کشش دستمزد

۱. مطالعات مختلف نشان می‌دهند که در هنگام جهانی شدن اقتصاد و ادغام با اقتصاد جهانی، پیشرفت افراد با تحصیلات عالی افزایش می‌یابد (راما، ۲۰۰۳).

تقاضای نیروی کار نیز می‌باشد، در بخش کشاورزی معنی‌دار نیست و بالاترین این بخش، به بخش خدمات مربوط است، به عبارت دیگر، تقاضای نیروی کار در بخش خدمات و سپس صنعت نسبت به دستمزد حساس هستند، اما بخش آنها بین صفر و واحد است و تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی، نسبت به دستمزد حساس نیست. ضریب متغیر هزینه سرمایه در هر سه بخش منفی است، اما در بخش کشاورزی معنی‌دار نیست، منفی بودن این ضریب، به معنی مکملی نیروی کار و سرمایه است و با توجه به اینکه بخش‌های صنعت و خدمات ضریب تقریباً مشابه دارند، می‌توان ادعا کرد که در دو بخش صنعت و خدمات، نیروی کار و سرمایه به عنوان دو عامل تولید، مکمل یکدیگر هستند و از این رو، در هنگام جهانی شدن اقتصاد با ورود سرمایه‌های خارجی و کاهش هزینه سرمایه، تقاضا برای نیروی کار در این دو بخش کاهش نمی‌یابد، اما در بخش کشاورزی احتمال کاهش تقاضای نیروی کار وجود دارد. متغیر ارزش افزوده به عنوان مهمترین متغیر تأثیرگذار بر تقاضای نیروی کار در هر سه بخش شناسایی می‌شود. ضریب این متغیر در بخش کشاورزی معنی‌دار نیست، ولی در بخش خدمات و صنعت، مثبت و معنی‌دار است. در ضمن، ضریب این متغیر در بخش صنعت و خدمات بزرگ‌تر از واحد است و این امر بیانگر پرکشش بودن تقاضای نیروی کار بخش صنعت و خدمات نسبت به ارزش افزوده است. اما متغیر دیگری که اثر یکی از مهمترین پیامدهای جهانی شدن را بر تقاضای نیروی کار نشان می‌دهد، موجودی سرمایه در بخش ارتباطات و اطلاعات است، این متغیر بر کل تقاضای نیروی کار در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات تأثیر ندارد.

جدول ۲- برآورد تابع تقاضای نیروی کار در سه بخش عمده اقتصادی ایران

خدمات	خدمات	خدمات	صنعت	صنعت	صنعت	کشاورزی	کشاورزی	کشاورزی	علامت اختصاری	متغیرهای مستقل
غیرماه	ماه	غیرماه	ماه	غیرماه	ماه	غیرماه	ماه	ماه		
۲/۰۲	-۱۷/۴۹	-۱/۳۶	۲/۴	-۳۰/۴۵	-۱/۶۶	۳۴	۳۴۶	۳۹/۶	C	ضریب ثابت
(۲/۸)	(-۹/۹)	(-۱/۸۷)	(۲/۲)	(-۷)	(-۱/۴۳)	(۰/۰۰۷)	(۰/۰۱۱)	(۰/۰۰۶)		
-۰/۳۶۹	-۱/۶۲	-۰/۴۷۷	-۰/۲۷	-۱/۱۷	-۰/۴۲۳	-۰/۰۱۵۹	-۰/۰۴۹	۰/۰۲	W	دستبرد
(-۱۰/۲۲)	(-۱۱/۵)	(-۱۲/۱۰۲)	(-۴/۵)	(-۳/۵۵)	-۶/۵	(-۰/۶)	(-۰/۴۰۸)	(-۱)		
-۰/۰۷۸	-۱/۳۸	-۰/۶۱۹	-۰/۴۲	-۱/۴۴	-۰/۷۱	-۰/۰۱۳	-۰/۰۶۱	۰/۰۰۱۶	R	هزینه سرمایه
(-۰/۸۱۷)	(-۵/۱۰۸)	(-۷/۱۰۸)	(-۴/۳)	(-۴/۴۹)	(-۷/۵)	(-۰/۵۳)	(-۰/۸۰۳)	(-۰/۶۸)		
۰/۸۸۵	۱/۹	۱/۱۱	۰/۹۲	۳/۰۹	۱/۱۹	۰/۱۱	۰/۳۳۵	۰/۱۱	VA	ارزش افزوده
(۱۵/۳)	(۱۱/۷۷)	(۲۰/۸۸)	(۱۴/۱۷)	(۱۲/۲)	(۸)	(۱/۲۵)	(۰/۸۸)	(۱/۳)		
—	—	—	—	—	—	—	—	—	ICTK	موجودی سرمایه در بخش ارتباطات ICT
۰/۲۲	۰/۶۷۹	—	-۰/۱۲۳	۰/۵۶	—	—	۰/۱۷۳	—	Open	درجه باز بودن اقتصاد
(۴/۷۴)	(۴/۱۸)	—	(-۲/۴)	(۱/۸۴)	—	—	(۷/۰۹)	—		
۰/۳۵	—	۰/۰۹۴۳	—	—	—	—	—	—	UNEM	نرخ بیکاری
(۶/۴۷)	—	(۱/۷۳)	—	—	—	—	—	—		
—	—	—	—	—	—	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹۵	AR(۱)	وقته اول متغیر وابسته
—	—	—	—	—	—	(۹/۸۵)	(۴۶/۶)	(۱۱/۹)	R ^۱	ضریب تشخیص
۱/۹۳	۱/۹۷	۱/۷	۱/۳۷	۱/۵	۱/۵۷	۱/۶۵	۱/۲	۱/۳۴	D.W	آماره دوربین واتسون
۴/۵	۴/۴	۳/۵	۲/۷	۳/۸	۳/۲	۲/۵	۳/۲	۲/۳	ADF	آماره دیکی فولر فرایند
۱۳۶۰-۸۳	۱۳۶۰-۸۳	۱۳۶۰-۸۳	۱۳۶۰-۸۳	۱۳۶۰-۸۳	۱۳۶۰-۸۳	۱۳۶۰-۸۳	۱۳۶۰-۸۳	۱۳۶۰-۸۳	—	دوره

به همین منظور در برخی از مدل‌ها، این متغیر حذف شده است.^۱ ضریب متغیر درجه باز بودن اقتصاد که سومین پیامد جهانی شدن اقتصاد در این تحقیق محسوب می‌شود،^۲ در هیچ‌کدام از بخش‌ها نقش چندانی ندارد و فقط در بخش صنعت، بر تقاضای نیروی کار تأثیر منفی می‌گذارد.

ضریب متغیر نرخ بیکاری فقط در بخش خدمات نقش مثبت دارد. به عبارت دیگر، افزایش نرخ بیکاری در بازار کار ایران، موجب افزایش اشتغال نیروی کار در بخش خدمات می‌شود. علاوه‌براین، ملاحظه می‌شود که این ضریب برای نیروی کار غیرماهر در بخش خدمات، کاملاً معنی‌دار است (۰/۳۵).

بنابراین افزایش بیکاری در ایران، موجب افزایش اشتغال نیروی کار غیرماهر بخش خدمات می‌شود و این امر، برای بخش‌های کشاورزی و صنعت صادق نیست. در هنگام بحران بیکاری، نیروی کار بیکار در بازار کار ایران به سوی فعالیت‌های خدماتی که گاهی ممکن است غیررسمی نیز باشد، حرکت می‌کنند.

دوم، مقایسه ضرایب تابع تقاضای نیروی کار ماهر و غیرماهر در بین بخش‌های اقتصادی است. همان‌طور که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود، ضریب هزینه سرمایه در تابع تقاضای نیروی کار ماهر، از لحاظ قدر مطلق، بیشتر از نیروی کار غیرماهر در هر سه بخش است، این امر بیانگر این واقعیت است که مکملی سرمایه و نیروی کار برای نیروی کار ماهر، بیشتر از نیروی کار غیرماهر است. به عبارت دیگر، در هر سه بخش اقتصاد ایران (البته در بخش کشاورزی، ضریب مورد نظر معنی‌دار نیست) سرمایه و مهارت مکمل یکدیگر هستند. بنابراین می‌توان گفت در هنگام جهانی شدن اقتصاد که یکی از پیامدهای آن، کاهش هزینه سرمایه است، بخش نیروی کار ماهر، دچار مشکل بیکاری و کاهش اشتغال نمی‌شود و خطر این وضعیت، برای نیروی کار غیرماهر بیشتر است. ضریب متغیر موجودی سرمایه بخش ارتباطات (ICT) نقش چندانی در اشتغال نیروی کار ماهر و غیرماهر ندارد، اما ضریب درجه باز بودن اقتصاد، در تقاضای اشتغال بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات نقش مثبت دارد و این ضریب برای نیروی کار ماهر بخش خدمات بیشتر است. به عبارت دیگر، با باز شدن درهای اقتصاد و آزادسازی بیشتر تجاری که یکی از مهمترین پیامدهای جهانی شدن و تعامل با اقتصاد جهانی است، بیشترین تأثیر مثبت بر نیروی کار ماهر بخش خدمات مشاهده می‌شود. اما در خصوص

۱. ضریب متغیر سرمایه در بخش ارتباطات و اطلاعات در مدل کلان اثر مثبت دارد، ولی در سه بخش خدمات، صنعت و کشاورزی معنی‌دار نیست. بنابراین باید به دنبال اثر مثبت این متغیر در زیربخش‌های خدمات، صنعت و کشاورزی بود و به دلیل اینکه مطالعه حاضر، فقط زیربخش‌های خدمات را مورد بررسی قرار می‌دهد، انتظار می‌رود در برخی از زیربخش‌های خدمات، اثر این متغیر مثبت باشد. در بخش بعد نشان داده می‌شود که اثر این متغیر بر زیربخش‌های واسطه‌گری مالی و حمل‌ونقل و ارتباطات مثبت است.

۲. اولین پیامد جهانی شدن، اقتصاد مکملی نیروی کار و سرمایه و دومین پیامد، رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات است.

نیروی کار غیرماهر، نتیجه متفاوت است. ضریب متغیر درجه باز بودن اقتصاد در تابع تقاضای نیروی کار غیرماهر کشاورزی معنی دار نیست، اما برای نیروی کار غیرماهر بخش صنعت منفی و معنی دار و برای نیروی کار ماهر بخش صنعت، مثبت و معنی دار است. پس با افزایش درجه باز بودن اقتصاد، امکان انتقال و جابجایی نیروی کار غیرماهر از بخش صنعت به بخش خدمات دور از انتظار نیست.

همان‌طور که قبلاً گفته شد، ضریب متغیر نرخ بیکاری، فقط در بخش خدمات نقش ایفا می‌کند و این ضریب بیشتر به تابع تقاضای نیروی کار غیرماهر بخش خدمات مربوط است، به عبارت دیگر افزایش بیکاری، موجب افزایش اشتغال نیروی کار غیرماهر بخش خدمات می‌شود.

نکته قابل توجه در جدول (۲) این است که تابع تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی ایران، تقریباً از هیچ‌یک از متغیرهای سنتی و غیرسنتی تبعیت نمی‌کند و همان‌طور که در ستون سوم، چهارم و پنجم جدول مشاهده می‌شود، ضریب متغیر وقفه اول این توابع، نزدیک به واحد است و این مدل‌ها برای پیش‌بینی اشتغال بخش کشاورزی مناسب نیستند. علاوه بر این، برآیند فرایند جهانی شدن و تأثیر آن بر اشتغال نشان می‌دهد که اثر مثبتی بر نیروی کار ماهر دارد و برای نیروی کار غیرماهر فقط در بخش خدمات اثر مثبت دارد. در اینجا پیام نهایی این است که جهانی شدن باید از بخش‌های خدمات و صنعت در ایران شروع شود. این امر که بخش کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته اکنون نیز توسط دولت حمایت می‌شود، نتیجه همین امر است.

۷- برآورد تابع تقاضای نیروی کار در زیربخش‌های خدمات

در این قسمت، تابع تقاضا برای نیروی کار در زیربخش‌های خدمات که عمده‌فروشی و خرده‌فروشی - هتل و رستوران - حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات - واسطه‌های مالی - مستغلات و فعالیت‌های کسب و کار - اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی اجباری - و سایر خدمات را شامل می‌شود، با استفاده از متغیرهای سنتی تابع تقاضای نیروی کار و اتخاذ متغیرهای نرخ بیکاری (UNEM)، درجه باز بودن اقتصاد و موجودی سرمایه بخش ارتباطات (ICTK)، با روش OLS پس از شناسایی بهترین مدل که پسماندهای مانا را دارا باشد، برآورد شده است.

برآورد این مدل‌ها در جدول (۳) نمایش داده شده است. ضریب هزینه دستمزد در تمام زیربخش‌ها به جز در زیربخش هتل و رستوران و عمده‌فروشی و خرده‌فروشی که مثبت و غیرمعنی‌دار است، منفی و معنی‌دار می‌باشد. در مورد داده‌ها و اطلاعات دستمزد برای زیربخش‌های مستغلات و فعالیت‌های کسب و کار - هتل و رستوران - و سایر خدمات از حداقل دستمزد استفاده شده است. در بخش حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات از جبران خدمات حمل‌ونقل جاده‌ای به جای دستمزد استفاده شده و در زیربخش‌های عمده‌فروشی و خرده‌فروشی - خدمات عمومی و اجتماعی - و واسطه‌گری‌های مالی نیز از جبران خدمات سرانه کارکنان بخش عمومی استفاده گردیده است.^۱

ضریب هزینه سرمایه در تمام زیربخش‌ها منفی است^۲، به جز در دو زیربخش خرده‌فروشی و عمده‌فروشی که ضریب مثبت و معنی‌دار می‌باشد. ممکن است با افزایش هزینه سرمایه، گرایش به سوی واحدها و مغازه‌های کوچک‌تر رشد یابد که به سرمایه کمتر نیاز دارند و همان ارزش افزوده با اشتغال بیشتر ایجاد شود. اما این ضریب برای خدمات عمومی و اجتماعی، مثبت ولی معنی‌دار نیست. منفی بودن ضریب هزینه سرمایه، بیانگر مکملی نیروی کار و سرمایه است و با توجه به اینکه در تمام مدل‌ها، مشاهدات به صورت لگاریتم مورد استفاده قرار گرفته است، ضریب مربوطه کشش می‌باشد و می‌توان در هفت مدل جدول (۳) آنها را با یکدیگر مقایسه کرد. ملاحظه می‌شود که این ضریب برای بخش سایر خدمات عمومی (۲/۱-) بالاتر است و سپس بخش مستغلات و فعالیت‌های کسب و کار (۱/۳۴-) و زیربخش هتل و رستوران (۰/۹۳-) در مرتبه دوم و سوم قرار دارند. بنابراین چنانچه در فرآیند جهانی شدن اقتصاد، هزینه سرمایه کاهش یابد، به دلیل مکملی سرمایه و نیروی کار در این زیربخش‌ها، فرصت‌های شغلی از بین نمی‌رود، بلکه امکان ایجاد فرصت شغلی نیز وجود دارد. فقط در زیربخش عمده‌فروشی و خرده‌فروشی است که با کاهش هزینه سرمایه و استفاده بیشتر از سرمایه، نیروی کار و سرمایه‌جانشین یکدیگر می‌شوند و این امر در هنگام کاهش هزینه سرمایه که می‌تواند ناشی از فرآیند جهانی شدن باشد، پدید می‌آید و از این رو، امکان از دست رفتن فرصت شغلی در زمان جهانی شدن از لحاظ ورود سرمایه در زیربخش

۱. استفاده جبران خدمات سرانه کارکنان بخش عمومی به عنوان جایگزینی برای دستمزد در زیربخش عمده‌فروشی و خرده‌فروشی به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات دستمزد یا جبران خدمات بخش عمده‌فروشی و خرده‌فروشی است.

۲. به دلیل عدم دسترسی به شاخص جبران خدمات در زیربخش‌های خدمات، نمی‌توان هزینه سرانه سرمایه در زیربخش‌های خدمات را به تفکیک محاسبه کرد، به همین منظور در تمامی زیربخش‌های خدمات، از هزینه سرانه سرمایه بخش خدمات استفاده شده است، به عبارت دیگر فرض شده که هزینه سرمایه در تمام زیربخش‌های خدمات یکسان و برابر با هزینه سرانه سرمایه در بخش خدمات است.

بازرگانی داخلی (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) وجود دارد. اما همان‌طور که گفته شد، جهانی شدن اقتصاد و تعامل با اقتصاد جهانی سه پیامد دارد: اول کاهش هزینه سرمایه و ورود سرمایه از طریق شرکت‌های چندملیتی است که در ضریب هزینه سرمایه تابع تقاضای نیروی کار، می‌توان این تأثیر را تفسیر کرد، دوم آزادسازی تجاری است که برای نشان دادن تأثیر آن بر تابع تقاضای نیروی کار از دخالت دادن شاخص درجه باز بودن اقتصاد در توابع تقاضا استفاده شده است. در جدول (۳) ملاحظه می‌شود که درجه باز بودن اقتصاد در زیربخش‌های واسطه‌گری‌های مالی و عمده‌فروشی و خرده‌فروشی (بازرگانی داخلی) تأثیر منفی دارد، یعنی با افزایش درجه باز بودن اقتصاد، اشتغال در این دو زیربخش کاهش می‌یابد. در زیربخش عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، درجه باز بودن اقتصاد، همانند ضریب هزینه سرمایه است و هر دو موجب کاهش اشتغال می‌شوند، یکی از دلایل آن، حذف واسطه‌های غیرضروری در بخش توزیع کالا به صورت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی است، در بخش واسطه‌گری‌های مالی نیز جهانی شدن ادغام و بکارگیری تکنولوژی‌های مدرن را ترویج می‌کند که به نیروی انسانی کمتر نیاز دارد و این موضوع، موجب کاهش اشتغال در بخش مذکور می‌شود. اما در سایر زیربخش‌ها این متغیر معنی‌دار نیست و به همین دلیل، در مدل‌های مذکور آورده نشده است. تأثیر منفی درجه باز بودن اقتصاد بر بخش خرده‌فروشی و عمده‌فروشی و مثبت بودن ضریب هزینه سرمایه در این زیربخش، یکدیگر را تقویت می‌کنند که این موضوع نشان می‌دهد فرایند جهانی شدن اقتصاد از طریق ورود سرمایه و کاهش هزینه سرمایه و آزادسازی تجاری، اشتغال این بخش را کاهش می‌دهد.

جدول ۳- برآورد تابع تقاضای نیروی کار در زیربخش های خدمات ایران

حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	سایر خدمات عمومی و اجتماعی	عمده فروشی، خرده فروشی (بازرگانی داخلی)	خدمات عمومی و دفاع اجتماعی	هتل و رستوران	واسطه گری های مالی	مستغلات، اجاره و فعالیت های کار و کسب	علامت اختصاری	متغیر مستقل
۷/۸ (۷/۵)	۰/۷۸ (۰/۴۶)	-۴/۶۴ (-۲/۶۲)	۲۰/۳ (۱۵/۶)	۵/۳۲۲ (۷/۳۴)	۵/۵۴ (۱/۳۶)	۴/۳۱ (۱/۹۷)	C	ضریب ثابت
-۰/۱۳۲ (-۲/۱۹)	-۰/۵۷۷ (-۴/۰۸)	۰/۳۹ (۱/۶)	-۰/۴۱ (-۳/۷۷)	۰/۰۹۴ (۱/۶۳)	-۰/۶۸۷ (-۱/۹۲)	-۰/۷ (-۲/۸)	W	دستبرد
-۰/۷۵۵ (-۵/۹۵)	-۲/۳۵ (-۱۰/۲)	۰/۶۸۸ (۲/۹)	۰/۲۴۳ (۰/۸۵۷)	-۰/۹۳ (-۵/۱۷)	-۰/۸۹۸ (-۱/۸۹)	-۱/۳۴ (-۳/۹)	R	هزینه سرمایه
۰/۶۰۳ (۱۷/۹)	۱/۵۴ (۵/۹)	۱/۵۳ (۱۳/۹۹)	-۰/۳۳۵ (-۱/۷)	۰/۳۱۲ (۶/۶)	۱/۰۳ (۷/۴۴)	۱/۷۹ (۷/۷۷)	V	ارزش افزوده
—	—	—	—	۰/۴۳۱ (۴/۱۲)	-۰/۷۶۲ (-۳/۲)	-۰/۴۵ (-۲/۵)	UNEM	نرخ بیکاری
۰/۰۶۱ (۳/۵۶)	—	—	—	—	۰/۳۲۴ (۲/۷۹)	-۰/۳۹ (-۳/۰۹)	ICTK	موجودی سرمایه ICT
—	—	-۰/۷۵۷ (-۱۱/۴۸)	—	—	-۰/۶۰۹ (-۳/۶۶)	—	Open	درجه باز بودن اقتصاد
—	—	—	۱/۸۷ (۳/۵۲۴)	—	—	—	DLOG(POP)	نرخ رشد جمعیت
۱۳۶۰-۸۲ /۹۸	۱۳۶۰-۸۲ /۸۷	۱۳۶۰-۸۲ /۹۸	۱۳۶۰-۸۲ /۵۷	۱۳۶۰-۸۲ /۹۳	۱۳۶۰-۸۲ /۹۵	۱۳۶۰-۸۲ /۹۷	—	دوره
۱/۸	۱/۴	۲	۱/۲	۲/۶	۲/۰۸	۱/۷۸	R ^۱	ضریب تشخیص
۵/۲	۲/۵	۵/۳	۲/۰۳	۴	۵/۱	۴/۵	ADF	آماره آDF برای پسماندها

مأخذ: محاسبات محقق

در زیربخش واسطه‌گری‌های مالی نیز درجه باز بودن اقتصاد، تأثیر منفی بر اشتغال این زیربخش دارد (۰/۶۰۹-) یکی از دلایل این امر، افزایش درجه باز بودن اقتصاد از ناحیه واردات است، زیرا عمده صادرات، نفت خام است و همواره با افزایش صادرات نفت، واردات نیز افزایش یافته است، پس با افزایش واردات و عدم رشد قابل توجه در تولید ناخالص داخلی در بلندمدت، نیاز به مؤسسات تأمین مالی مانند بانک، بیمه و مؤسسات خصوصی تأمین مالی پروژه و غیره کمتر مورد نظر بوده است. اما ضریب موجودی سرمایه ارتباطات (ICTK) در این زیربخش، مثبت و معنی‌دار است (۰/۳۲۴)، پس رشد تکنولوژی اطلاعات، ارتباطات و سرمایه‌گذاری در این باره، موجب افزایش اشتغال در زیربخش واسطه‌گری‌های مالی (در بلندمدت) می‌شود. این نتیجه شاید به دلیل تسهیل در ایجاد مراکز مالی از طریق رشد ICT باشد. به هر حال، اگر فرایند جهانی شدن اقتصاد را در سه پیامد رشد تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات (ICTK)، درجه باز بودن اقتصاد و ورود سرمایه و کاهش هزینه سرمایه نشان دهیم، این مدل نشان می‌دهد که زیربخش واسطه‌گری‌های مالی، از درجه باز بودن اقتصاد تأثیر منفی و از رشد تکنولوژی اطلاعات و کاهش هزینه سرمایه تأثیر مثبت می‌گیرد، از این رو، درباره اثر این سه پیامد نمی‌توان ادعا کرد.

پس اگر آثار جهانی شدن اقتصاد بر اشتغال زیربخش‌های خدمات در ایران را خلاصه کنیم، می‌توان گفت که فقط در زیربخش بازرگانی داخلی (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) تأثیر این فرایند بر اشتغال منفی است و در زیربخش واسطه‌گری‌های مالی، تأثیر این پیامد نامشخص است. در زیربخش خدمات عمومی هیچ تأثیری ندارد و در زیربخش مستغلات و فعالیت‌های کسب و کار به دلیل تأثیر منفی تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و تأثیر مثبت کاهش هزینه سرمایه (منفی بودن ضریب هزینه سرمایه)، نمی‌توان درباره تأثیر مثبت یا منفی جهانی شدن اقتصاد بر اشتغال ادعا کرد. در زیربخش هتل و رستوران تأثیر این فرایند - فقط از طریق ورود سرمایه که آن نیز به لحاظ کاهش هزینه سرمایه است - بر اشتغال مثبت است، ولی رشد تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات (ICT) و درجه باز بودن اقتصاد، تأثیری بر اشتغال این بخش در بلندمدت نداشته است. اما این موضوع به معنی عدم تأثیرگذاری این متغیرها بر اشتغال بخش هتل و رستوران به لحاظ نظری نیست و از

لحاظ تئوریک، رشد تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، باید نقش مثبتی بر ایجاد فرصت‌های شغلی داشته باشد، به همین منظور باید به دنبال مرتبط کردن رشد تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات با اشتغال بخش هتل و رستوران در برنامه چهارم و پنجم بود. زیربخش حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات از متغیر JCT، از لحاظ کاهش هزینه سرمایه اثر مثبت دارد، پس جهانی شدن می‌تواند اثر مثبت بر این بخش داشته باشد.

زیربخش سایر خدمات عمومی و اجتماعی نیز فقط از لحاظ ضریب هزینه سرمایه و مکمل بودن سرمایه و نیروی کار می‌تواند در هنگام ورود سرمایه و کاهش هزینه سرمایه که فقط یکی از پیامدهای جهانی شدن است، فرصت شغلی ایجاد کند. شایان ذکر است که تمام تحلیل‌های بالا که از ضرایب مدل استخراج شده‌اند، در یک فرایند بلندمدت پدید می‌آیند و مدل‌ها نیز از اطلاعات گذشته استخراج شده‌اند، از این رو، می‌توان از آنها توصیه‌هایی را برای ایجاد اشتغال بیشتر در زیربخش‌های خدمات در آینده استخراج کرد: مثلاً، در بسیاری از زیربخش‌ها تاکنون رشد تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات بر اشتغال بی‌تأثیر بوده است (جدول ۳). از این رو، باید برای ارتباط منطقی بین این دو متغیر در آینده تلاش کرد، به نحوی که ضریب مذکور، مثبت و معنی‌دار شود.

ضریب نرخ بیکاری که در کل بخش خدمات، تأثیر مثبت (البته برای نیروی کار غیرماهر) دارد، به گونه‌ای است که فقط در زیربخش هتل و رستوران مثبت و معنی‌دار می‌باشد و در زیربخش‌های مستغلات و فعالیت‌های کسب و کار و واسطه‌گری‌های مالی، منفی و معنی‌دار است و در سایر زیربخش‌ها نیز معنی‌دار نیست. در واقع، هنگام افزایش بیکاری، عده‌ای از بیکاران به بخش خدمات می‌روند و معمولاً در زیربخش هتل و رستوران فعال می‌شوند. همچنین بخشی از نیروهای کار از بخش‌های مستغلات و فعالیت‌های کسب و کار و از زیربخش واسطه‌گری‌های مالی جدا می‌شوند یا به عبارت دیگر، تقاضا برای اشتغال کاهش می‌یابد.

ضریب متغیر ارزش افزوده در تمام زیربخش‌ها (به استثنای خدمات عمومی و اجتماعی) مثبت و معنی‌دار است و در اکثر مدل‌ها بالاترین کشش را دارد و همان‌طور که در تحقیقات دیگر نیز نشان داده شده است، مهمترین عامل ایجاد اشتغال، ارزش افزوده اقتصاد (تولید) است و موارد دیگر در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند.

۸ - جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱) نقش جهانی شدن اقتصاد که به شکل سه پیامد آزادسازی تجاری، رشد تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و ورود سرمایه از طریق شرکت‌های چندملیتی می‌تواند بر بازار کار اثرگذار باشد، به گونه‌ای است که در کل، تأثیر رشد تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات (ICT) بر اشتغال مثبت است، اما اثر آزادسازی تجاری با درجه باز بودن اقتصاد نامحسوس می‌باشد و اثر ورود سرمایه به دلیل مکملی سرمایه و نیروی کار مثبت ارزیابی می‌شود، از این رو، حاصل سه پیامد بر اشتغال مثبت ارزیابی می‌شود. ۲) آثار پیامدهای جهانی شدن اقتصاد (آزادسازی، رشد ICT و ورود سرمایه) بر نیروی کار ماهر و غیرماهر متفاوت می‌باشد، به گونه‌ای که تأثیر مثبت این شاخص‌ها بر نیروی کار ماهر، بیشتر از نیروی کار غیرماهر است، از این رو، هر چه تعامل اقتصاد داخلی با اقتصاد جهانی افزایش یابد، ایجاد شغل برای نیروی کار با مهارت بالا افزایش خواهد یافت و با توجه به وجود پتانسیل نیروی کار فارغ‌التحصیل دانشگاهی، فرصت جذب آن بیشتر از گذشته خواهد شد. ۳) مهمترین عامل تقاضا برای نیروی کار در تمام بخش‌ها و زیربخش‌ها، تولید (ارزش افزوده) است. ۴) در مقایسه بخش‌های سه‌گانه اقتصاد، افزایش نرخ بیکاری فقط موجب افزایش اشتغال در بخش خدمات (یعنی افزایش نیروی کار غیرماهر خدماتی) می‌شود. به عبارت دیگر، افزایش نرخ بیکاری موجب انتقال بیکاران غیرماهر جویای کار به بخش خدمات می‌شود. ۵) اثر سه پیامد جهانی شدن اقتصاد بر سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات به شرح ذیل است:

- نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات بر تقاضا برای نیروی کار در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات نامحسوس است.

- تأثیر مثبت درجه باز بودن اقتصاد بر اشتغال نیروی کار ماهر بخش خدمات، در رتبه اول قرار می‌گیرد. سپس بر نیروی کار ماهر بخش صنعت و در نهایت، بر نیروی کار ماهر بخش کشاورزی تأثیر دارد، اما اثر این متغیر بر نیروی کار غیرماهر صنعت، منفی و معنی‌دار است و فقط برای نیروی کار غیرماهر بخش خدمات، مثبت و معنادار می‌باشد. از این رو، انتظار می‌رود با باز شدن درهای تجارت، جابجایی نیروی کار غیرماهر از بخش صنعت به بخش خدمات پدید آید.

- کاهش هزینه سرمایه و ورود آن به کشور، به زیان اشتغال بخش کشاورزی در

درجه اول خواهد بود و نیروی کار ماهر بخش‌های صنعت و خدمات از ورود سرمایه، بیشتر از نیروی کار غیرماهر منتفع می‌شوند.

- با استناد به جدول (۴)، اثر پیامدهای جهانی شدن و تعامل با اقتصاد جهانی بر اشتغال در زیربخش‌های خدمات، از دو جنبه اهمیت دارد. اولاً، از بین سه شاخص فوق، اثرگذاری جریان ورود سرمایه در عمده زیربخش‌های خدمات روشن است، درحالی‌که ICT تا حدودی می‌تواند بر برخی از زیربخش‌ها تأثیرگذار باشد و انتظار باز بودن اقتصاد بر رشد اشتغال در بخش خدمات، کمتر از دو مؤلفه مذکور است. دوم اینکه، در میان زیربخش‌های خدمات، اثرگذاری سه شاخص جهانی شدن، بیانگر این واقعیت است که اشتغال در زیربخش واسطه‌های مالی و حمل‌ونقل و ارتباطات بیشتر از سایر زیربخش‌های خدمات می‌باشد. بر این اساس، در تعامل با اقتصاد جهانی، نظام بانکداری و بیمه‌ای کشور و نیز سیستم حمل‌ونقل و ارتباطات، نه تنها بیش از گذشته متأثر خواهند شد، بلکه ایجاد زمینه‌های کسب و کار و فرصت‌های شغلی نیز افزایش خواهد یافت.

جدول (۴): خلاصه تأثیر جهانی شدن و تعامل با اقتصاد جهانی بر اشتغال در زیربخش‌های خدمات

کاهش هزینه سرمایه (ورود سرمایه)	تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات	درجه باز بودن اقتصاد	پیامدهای جهانی شدن زیربخش‌های خدمات
مثبت	منفی	بی‌اثر	مستغلات و فعالیت‌های کسب و کار
مثبت	مثبت	منفی	واسطه‌گری‌های مالی
مثبت	بی‌اثر	بی‌اثر	هتل و رستوران
بی‌اثر	بی‌اثر	بی‌اثر	خدمات عمومی و اجتماعی
منفی	بی‌اثر	منفی	بازرگانی داخلی
مثبت	بی‌اثر	بی‌اثر	سایر خدمات
مثبت	مثبت	بی‌اثر	حمل‌ونقل و انبارداری و ارتباطات

منبع: یافته‌های تحقیق

۹ - پیشنهادات

در تحقیق حاضر، مهارت مترادف با تحصیلات دانشگاهی دانسته شده است، از این رو، باید سهم نیروی کار برخوردار از تحصیلات بالا را از کل شاغلین افزایش داد. همچنین می‌توان نیروی کار با تحصیلات کم را از آموزش‌های متنوع بهره‌مند کرد. مجدداً تأکید می‌شود که از طریق آموزش تخصصی و حرفه‌ای، نیروی کار غیرماهر به ماهر تبدیل شود. این کار در کاهش آثار سوء جهانی شدن بر نیروی کار غیرماهر بسیار مؤثر است. توجه برنامه چهارم توسعه در تعامل با اقتصاد جهانی، بار منفی بر اشتغال بخش خدمات ندارد، هر چند ممکن است این هزینه برای اشتغال بخش‌های صنعت و کشاورزی ایجاد شود.

منابع

الف) فارسی

- استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۳) جهانی شدن و مسائل آن، ترجمه حسن گلریز، تهران: نشر نی.
- اسفندیاری، علی‌اصغر (۱۳۸۱) تشخیص صنایع کلیدی از دیدگاه اشتغال با استفاده از جدول داده - ستانده، مجله برنامه و بودجه، شماره ۷۵.
- امینی، علیرضا (۱۳۸۱) تحلیل عوامل مؤثر بر تقاضای نیروی کار و موانع ایجاد اشتغال در اقتصاد ایران، رساله دکتری اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- امینی، علیرضا (۱۳۸۱) تحلیل عوامل مؤثر بر تقاضای نیروی کار در بخش‌های اقتصادی و پیش‌بینی اشتغال در برنامه سوم توسعه، مجله برنامه و بودجه، شماره ۷۴.
- امینی، علیرضا (۱۳۸۴) "برآورد سری زمانی موجودی سرمایه در اقتصاد ایران طی دوره زمانی ۳۸ - ۱۳۸۱"، مجله برنامه و بودجه، شماره ۹۰.
- امینی، علیرضا؛ نشاط، حاجی محمد و اصلاحچی، محمدرضا (۱۳۸۴) برآورد آمارهای سری زمانی جمعیت شاغل به تفکیک بخش‌های اقتصادی، دفتر اقتصاد کلان، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی ایران، سال‌های مختلف.
- بیگدلی، حسنعلی (۱۳۶۸) جایگاه خدمات در اقتصاد جهانی و ایران، معاونت امور اقتصادی، دفتر اقتصاد بین‌الملل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- پروکونپکو، ژوزف (۱۳۷۳) بهبود بهره‌وری در بخش خدمات عمومی: مشکلات و چالش‌ها، ترجمه کمیته فنی و اجرایی ستاد برگزاری روز دولت و بهره‌وری ملی، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

تارو، لستر (۱۳۷۷)، رویارویی بزرگ؛ نبرد اقتصادی آینده ژاپن، اروپا و آمریکا، ترجمه: عزیز کیاوند، انتشارات دیدار.

مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵.
مرکز آمار ایران، آمار گیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار، سال‌های مختلف.
مرکز آمار ایران، طرح هزینه و درآمد خانوار شهری و روستایی، سال‌های مختلف.

ب) انگلیسی

Currie, Janet & Harrison, Ann E, (1997). "Sharing the Costs: The Impact of Trade Reform on Capital and Labor in Morocco," Journal of Labor Economics, University of Chicago Press, vol. 15(3), pages S44-71, July.

International Labor Organization (2001) "Human Resource Development, Employment and Globalization in the Hotel, Catering and Tourism Sector" Geneva: ILO.

International Labour Organization (2001) The Employment Impact of Mergers and Acquisitions in the Banking and Financial Services Sector, International Labour Office, Geneva.

Feder, G. (1983), On exports and economic growth. Journal of Development Economics 12 nos. 1-2 (1983), pp. 59-73

Kearny, A. T. (2003) Measuring Globalization, Foreign policy.

James Levinsohn (1999) " Employment responses to international liberalization in Chile" Journal of International Economics ,Volume 47, Issue 2, 1 April 1999, Pages 321-344.

Pant Manoj, Chowdhury Prabal Roy and Singh Gurbachan (2004) Financial Intermediation and Employment Discussion Paper 04 – 22, Indian Statistical Institute Delhi Planning unit.

Planning Commission (2002) Report of the Special Group on Targeting Ten Million Employment Opportunities Per Year Over The Tenth Plan Period, Government of India.

Rama Martin (2003) Globalization and Workers in Developing Countries, World Bank Policy Research Working Paper 2958.

Revenga, Ana. (1997). "Employment and Wage Effects of Trade Liberalization: The Case of Mexican Manufacturing." Journal of Labor Economics 15 (3), S20-S43

World bank (2005) "World Development Indicator" WB, WDI (2005).